

A Review of Media Crime Coverage Procedures and Laws

Mohsen Khakzad Shahan Dashti: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan (Corresponding Author), Rasht, Iran. **email:** mohsen.khakzad@guilan.ac.ir

Leila Mirbod: PhD in Public International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch, Tehran, Iran. **email:** leila_mirbod@yahoo.com

When a crime occurs, the media—acting within their inherent duty to inform—often disclose the identity of the accused. The degree of such disclosure, however, depends on the legal framework of each jurisdiction. Since the accused's guilt has not yet been proven, revealing their identity may lead to irreparable social stigma. Conversely, disclosure can sometimes enable unidentified victims to seek justice. Thus, national laws attempt to strike a balance between the public's right to know and the accused's right to privacy.

This article adopts a descriptive-analytical approach, drawing on library resources and a comparative study of relevant documents, books, articles, and translations. Jurisdictions employ varying approaches to regulating the disclosure of accused persons' identities in the media, generally categorized into three models: (1) the protectionist approach, which prioritizes safeguarding the accused; (2) the watchdog approach, which favors full disclosure of criminal identities; and (3) the ambidextrous approach, which combines aspects of both.

While revealing such information may deter crime or assist victims in pursuing justice, international human rights instruments emphasize human dignity as the rationale for establishing mechanisms that guarantee fair trial rights and protect the accused. By adhering to professional ethics, the media can both support crime prevention and uphold the right to privacy.

Keywords: Media Rights; Dissemination of Information; Rights of the Accused; Victims' Rights; Confidentiality.

How to cite this paper: KHakzad Shahan Dashti, M., & Mirbod, I. (2025). A Review of Media Crime Coverage Procedures and Laws. *Rasaneh*, 36(3), 169-193. [In persian]

مروری بر رویه‌ها و قوانین پوشش رسانه‌ای جرم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

نوشته

محسن خاکزاد شاهاندرشتی*

لیلا میربد**

چکیده

در پی وقوع جرائم، رسانه‌ها در راستای ایفای وظایف ذاتی خود به اعلام مشخصات متهم می‌پردازند. این‌که تا چه حد از این مشخصات افشا شود، بستگی به قوانین هر حوزه قضایی دارد. از آنجایی که مجرم بودن فرد متهم، اثبات نشده است، افشای هویت وی می‌تواند انگ جبران‌ناپذیر اجتماعی در پی داشته باشد. از سوی دیگر، افشای مشخصات آنان می‌تواند به قربانیان ناشناخته، امکان دسترسی به دادرسی عادلانه را بدهد؛ بنابراین، قوانین داخلی در پی برقراری تعادلی میان افشای مشخصات متهم و رعایت حقوق وی هستند. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مطالعه تطبیقی اسناد، کتب، مقاله‌ها و ترجمه متون صورت گرفته است. دولت‌ها رویه و قوانین متفاوتی را نسبت به افشای اطلاعات متهم در رسانه‌ها دنبال می‌کنند و این تنوع در تحقیق انجام شده که مقاله حاضر بر پایه آن است، به سه شیوه نمود یافته است: رویکرد محافظان که در آن پیش فرض، محافظت از متهم یا محکوم است؛ دیده‌بانان که رویه معمول آن‌ها افشای هویت و شناسایی کامل مجرم است و دوسوگراها که ترکیبی از دو شیوه فوق را اجرا می‌کنند. بنابراین، اگرچه افشای اطلاعات متهم می‌تواند جنبه بازدارندگی داشته باشد یا قربانیان ناشناخته قبلی را از فرایند احقاق حق بهره‌مند سازد، اما باید در نظر داشت اسناد حقوق بشری، دفاع از کرامت انسانی را دلیل وضع سازوکارهای تضمین حقوق متهم و دادرسی منصفانه دانسته‌اند. رسانه‌ها نیز با رعایت اخلاق حرفه‌ای به فرایند بازدارندگی از جرم و درعین حال تحقق حق بر حریم خصوصی، مساعدت می‌کنند. کلیدواژه: حقوق رسانه، انتشار اطلاعات، حقوق متهم، حقوق قربانی جرم، محرمانگی.

* استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، رشت، ایران
mohsen.khazad@guilan.ac.ir

** دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
Leila_mirbod@yahoo.com

نحوه استناد به این مقاله: خاکزاد شاهاندرشتی، محسن و میربد، لیلا (۱۴۰۴). مروری بر رویه‌ها و قوانین پوشش رسانه‌ای جرم. رسانه، ۳۶(۳)، ۱۶۹-۱۹۳.

مقدمه

داستان‌های جنایی مخاطبان زیادی را به خود جذب می‌کنند، اما آثار اجتماعی زیادی نیز در پی دارند. این خبرنگاران هستند که می‌توانند با نحوه بیان این داستان‌ها و حشت ایجاد کنند یا دعوت به مدارا را تشویق کنند. در تاریخ ۱۸ آوریل ۲۰۲۰، در ایالت نوا اسکوشیای^۱ کانادا مردی که با پوشیدن لباس پلیس و با استفاده از یک خودروی قلبی پلیس شروع به تیراندازی به سوی افراد کرده بود، بعد از ۱۲ ساعت تعقیب و گریز در درگیری با مأموران کشته شد. در میانه وقوع این حادثه و دستگیری مهاجم، پلیس از ساکنان منطقه پورتاپیک^۲ خواست با توجه به اقدامات نیروهای امنیتی برای دستگیری فرد مظنون، از منازل خود خارج نشوند. هویت فرد مزبور، گابریل ورتمن^۳ (۵۱ ساله) اعلام شد. مقامات کانادا این حادثه را یکی از "مرگ‌بارترین و خشونت‌آمیزترین حوادث تاریخ کانادا" طی ۳۰ سال گذشته دانسته‌اند. اگرچه کانادا قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای حمل اسلحه وضع کرده است که در آن داشتن اسلحه ثبت نشده، جرم محسوب می‌شود و خرید اسلحه نیاز به آموزش، ارزیابی، اطلاع همسر و بررسی پرونده کیفری فرد دارد، اما آمارها نشان می‌دهد خشونت‌های مسلحانه در کانادا طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. از بعد دیگری نیز این واقعه منحصر به فرد بود؛ زیرا افشای نام و هویت وی در کانادا توسط رسانه‌ها، محلی برای بحث عموم مردم و حتی نخست وزیر شد.

بسیاری استدلال کرده‌اند که سطوح بالای ترس و خشم عمومی در مورد جرائم خشونت‌آمیز، دست‌کم تا حدی، ناشی از پوشش و تحریف عناصر جرم و علل آن در رسانه‌های خبری است. رسانه‌های خبری در مورد این‌که به چه نحو جرائم را بازتاب دهند و تا چه حدی از اطلاعات مربوط به متهم یا قربانی را منتشر کنند، به اشکال متفاوتی در حوزه‌های قضایی مختلف عمل می‌کنند. این اقدام از این نظر که در ارائه اطلاعاتی که می‌تواند جنایات مشابه را زمینه‌سازی کند (اوهر^۴، ۲۰۲۰: ۱) یا اطلاعات شخصی متهم و قربانی را به شکل بسیار نامتناسبی، نزد افواه عمومی افشا کند، بسیار حیاتی است و ضرورت و اهمیت پرداختن به آن را در مقاله‌ای علمی و میان‌رشته‌ای توجیه می‌کند.

مسئله‌ای که در این مقاله به دنبال پاسخی برای آن هستیم، این است که رویکرد روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در ایجاد تعادل میان وظایف ذاتی و رعایت حقوق متهم در کشورهای شاخص در این حوزه به چه نحو است و به چه متغیرهایی بستگی دارد. آنچه در ادامه آمده، ابتدا ترجمه مقاله‌ای پیرامون کتاب رومن اسمیت فولرتون^۵ است که در منبع نوشتار قید شده است. رومن اسمیت

1. Nova Scotia
2. Portapique
3. Gabriel Wortman
4. O'Hear
5. Romaine Smith Fullerton

فولرتون، دانشیار دانشکده اطلاعات و مطالعات رسانه در دانشگاه وسترن آنتاریو، به همراه مگی جونز پترسون^۱، کتابی تحت عنوان قتل در میان ما: مقایسه مبانی اخلاقی پوشش جرم در عصر اخبار جهانی شده را در سال ۲۰۲۰ درباره شیوه‌های پوشش خبری جرم در سراسر جهان نوشته‌اند که به مقایسه رویه بازتاب خبری جرائم می‌پردازد. کتاب از نحوه پوشش جرم در کشورهای مورد مطالعه به‌عنوان کلیدی برای بررسی مفاهیم فرهنگی استفاده می‌کند و با مطالعه دقیق پوشش خبری، کدهای اخلاقی و دستورالعمل‌ها و انجام مصاحبه با حدود ۲۰۰ خبره حرفه‌ای، مطالب مفیدی را در مطالعات مربوط به حقوق کیفری و حقوق رسانه ارائه می‌دهد. در حال حاضر، شیوه‌های گزارش دهی منحصر به فردی در میان مدل‌های انتشار اخبار در خصوص جرائم وجود دارد، اما اینترنت و رسانه‌های اجتماعی مجازی، چنین اخباری را با سرعت و جزئیاتی منتشر می‌کنند که اغلب تمایزها و ارزش‌های فرهنگی را به تهدید مبدل می‌کنند.

عنوان بعدی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، مربوط به حقوق قربانیان در کانادا است که بر اساس "لایحه ممنوعیت انتشار" که در تاریخ ۲۰۲۱/۰۷/۰۷ تدوین شده است و در نهایت، وضعیت حمایت از حقوق قربانیان جرم و نیز حقوق متهم در حوزه انتشار، پخش یا ارسال هرگونه اطلاعاتی که می‌تواند منجر به شناسایی قربانی، شاهد یا شخص دیگری که در سیستم عدالت کیفری دخیل هستند، در نظام حقوقی ایران به شیوه تطبیقی تحلیل می‌شود.

پیشینه پژوهش

حمید رئوفیان و ابوالفضل حسن‌زاده محمدی در مقاله‌ای با عنوان "حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم" در نشریه حقوقی دادگستری در سال ۱۳۸۹ این‌گونه تحلیل می‌کنند که: حمایت از شاهد، مجموعه اقدامات مالی، امنیتی، آموزشی و روان‌شناختی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود در فرایند دادرسی به‌کار می‌بندد. از طرف دیگر، امروز حقوق دفاعی متهم به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از یک دادرسی عادلانه مطابق با اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی کشورها محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را به هر بهانه‌ای محدود کرد؛ چه آن‌که این حق، میراثی است که جامعه بشری پس از تلاش فراوان، در پس قرن‌ها دادرسی به‌دست آورده است.

محمد فرجی‌ها در مقاله "بازتاب رسانه‌ای جرم"، در سال ۱۳۸۵، این‌گونه بحث کرده است که: شناسایی معیارهای گزینش اخبار جنایی، تحلیل محتوای گزارش‌های جنایی و نیز کشف ارتباط متقابل و پیچیده بین محتوای گزارش‌های جنایی و دیگر ابعاد ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری رفتار مجرمانه، موضوع بحث است. یافته‌ها حاکی از آن است که ۱. خبرنگاران و دبیران سرویس روزنامه‌ها و مدیران تنظیم خبر با گزینش اخبار جنایی و تعیین چگونگی

بازتاب پدیده‌های جنایی در رسانه‌ها نقش مؤثری در شکل‌گیری افکار عمومی در مورد جرم و عدالت ایفا می‌کنند؛ ۲. فقدان جنبه‌های تحلیلی و تأکید بر توصیف پدیده‌های جنایی در اخبار و رویدادهای جنایی مانع ایجاد درک و بینش صحیح نسبت به عوامل وقوع جرم و راه‌های کنترل آن در مخاطبان شده است؛ ۳. گزینش اخبار جنایی بر مبنای شاخص‌های تعیین‌کننده "ارزش خبری" پیامدهای بی‌شماری، از جمله بزرگ‌نمایی جرم‌های خشونت‌آمیز و افزایش احساس ناامنی در اجتماع را به دنبال دارد.

سارا سان بیل^۱ در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر رسانه‌های خبری بر سیاست عدالت کیفری: چگونه اخبار بازارمحور مجازات را ترویج می‌کند؟" در سال ۲۰۰۶، آورده است: فشارهای تجاری، نحوه رفتار معاصر رسانه‌های خبری با جرم و خشونت را تعیین می‌کند و پوشش حاصل از آن نقش عمده‌ای در تغییر شکل افکار عمومی و در نهایت، سیاست عدالت کیفری ایفا کرده است. رسانه‌های خبری آینه نیستند و فقط رویدادهای جامعه را منعکس نمی‌کنند. در عوض، محتوای رسانه‌ای توسط ملاحظات اقتصادی و بازاریابی شکل می‌گیرد که اغلب معیارهای روزنامه‌نگاری سنتی را برای ارزش خبری نادیده می‌گیرند. مقاله همچنین نشان می‌دهد شرح رویداد جرائم در رسانه‌های خبری، پتانسیل ایجاد انحراف افکار عمومی، افزایش حمایت از سیاست‌های تنبیهی مختلف مانند مجازات‌های طولانی‌تر و رفتار با نوجوانان به‌عنوان بزرگسال را دارد. رسانه‌ها هم‌زمان هم حمایت از سیاست‌های تنبیهی را افزایش می‌دهند و هم نقش مهم و ناشناخته‌ای در افزایش حمایت از سیاست‌های عدالت کیفری دارند.

از آنجا که نوشته حاضر، یک مطالعه بین‌رشته‌ای است که رویه‌های بازتاب رسانه‌ای جرم را از منظر تحلیل مبانی اخلاقی و حقوقی مدنظر داشته و بررسی تطبیقی را در حوزه بازتاب رسانه‌ای جرائم، دنبال کرده است و نیز به شیوه موردی کتاب قتل در میان ما: مقایسه مبانی اخلاقی پوشش جرم در عصر اخبار جهانی شده منتشر شده در سال ۲۰۲۰ را در چارچوب بحث بررسی کرده، حائز نوآوری است.

بازتاب رسانه‌ای جرم؛ رویکردها و رویه‌ها

وسایل ارتباط جمعی ابزاری بسیار نیرومند هستند که می‌توان از آن‌ها هم در راه درست و هم نادرست استفاده کرد و اگر کنترل مطلوب روی آن‌ها وجود نداشته باشد، امکان استفاده از این وسایل در راه دوم بیشتر است. وسایل ارتباط جمعی در ذهن و فکر مردم، عقاید و ارزش‌ها و هنجارهای خاصی را توسعه داده یا تثبیت می‌کنند و انسان‌ها آنچه را می‌بینند، می‌شنوند و می‌خوانند پس از مدتی دوست خواهند داشت. بنابراین، وسایل ارتباطی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر افکار افراد تأثیر می‌گذارد (رزمان، ۱۳۹۷: ۱).

1. Sara Sun Beale

تا سال ۲۰۰۰، پوشش جرائم در مجله‌های خبری و تلویزیونی مظهر بسته‌بندی و بازاریابی اطلاعات مربوط به جرم و جنایت برای مصرف عمومی بوده است. قالب نمایش، جنایت را به‌عنوان یک داستان پر رمز و راز در حال آشکارشدن، با مشخصات شخصیت‌های بازیگران اصلی، سپس خود جنایت (به‌طور معمول قتل)، تحقیقات و در نهایت محاکمه ارائه می‌کند. در این داستان‌های جنایی به‌ندرت تجزیه و تحلیل عمیقی از مسائل حقوقی، عدالت کیفری یا اجتماعی که به‌شدت در آن دخیل هستند، وجود داشتند. ماهیت درام جنایی از دو جهت برای سازندگان سریال جذابیت اقتصادی دارد: نخست، تولید آن به نسبت ارزان است: یک فرد را تا سال ۲۰۰۰، پوشش جرائم در مجله‌های خبری و تلویزیونی مظهر بسته‌بندی و بازاریابی اطلاعات مربوط به جرم و جنایت برای مصرف عمومی بوده است. قالب نمایش، جنایت را به‌عنوان یک داستان پر رمز و راز در حال آشکارشدن، با مشخصات شخصیت‌های بازیگران اصلی، سپس خود جنایت (به‌طور معمول قتل)، تحقیقات و در نهایت، محاکمه ارائه می‌کند. در این داستان‌های جنایی به‌ندرت تجزیه و تحلیل عمیقی از مسائل حقوقی، عدالت کیفری یا اجتماعی که به‌شدت در آن دخیل هستند، وجود داشت. ماهیت درام جنایی از دو جهت برای سازندگان سریال جذابیت اقتصادی دارد: نخست آن‌که تولید آن به نسبت ارزان است: یک فرد را می‌توان برای مدت طولانی به صحنه جرم اعزام کرد تا بولتن‌های پلیس، کنفرانس‌های مطبوعاتی وکیل، فعالیت‌های دادگاه و مصاحبه با دوستان، همسایگان و خانواده قربانی و مجرم را پوشش دهد؛ دوم آن‌که طولانی‌بودن این دادرسی باعث می‌شود که تعلیق در بین مردم افزایش یابد و با ظهور تحولات جدید، علاقه فزاینده‌ای به پیگیری حوادث جنایی ایجاد شود. ماهیت تلویزیون به‌عنوان یک رسانه تصویری نیز در تعیین میزان و نوع پوشش جرم در سطح ملی و محلی نقش دارد. تلویزیون بر داستان‌های "فیلمی" و "رویدادهای گسسته، دراماتیک و بصری بین افراد" تأکید می‌کند. پوشش تحقیق و محاکمه جنایت‌های خشونت‌آمیز با این مشخصات مطابقت دارد، زیرا دراماتیک است و مخاطب را به سمت جزئیات و حشمتناک جنایت سوق می‌دهد. این رویه در مورد روزنامه‌های محلی نیز وجود دارد؛ در واقع، جرم و جنایت یک چهارم کل اخبار تلویزیون محلی را تشکیل می‌دهد. بیندگانی که ذائقه علاقه به حوادث یا سرگرمی خشونت‌آمیز دارند، به اخبار محلی با تأکید بر جنایت نیز علاقه دارند و ایستگاه‌ها با اخبار محلی مربوط به جرم، به‌عنوان یک محصول تجاری برخوردار می‌کنند که آن‌ها را برای برآورده‌کردن علایق جامعه هدف خود تولید می‌کنند. این در حالی است که وقوع داستان‌های جنایی در اخبار محلی هیچ ارتباطی با ارتکاب جرم در همان منطقه ندارد (بیل، ۲۰۰۶: ۳۴-۳۵).

این موارد را باید به تعداد رسانه‌های جدید اجتماعی، خبرنامه‌های الکترونیکی و نقل مکان مخاطبان از رسانه‌های سنتی به رسانه‌های مجازی افزود؛ جایی که کنترل محتوا و انتشار اطلاعات به آسانی تلویزیون و روزنامه نیست. تعداد افرادی که به گزارش‌های خبری رادیو

گوش می‌دهند یا روزنامه می‌خوانند یا به تماشای اخبار محلی یا ملی از تلویزیون رغبت دارند، به‌شدت کاهش یافته است؛ بنابراین، قواعد اخلاقی و حقوقی در مورد نحوه پوشش آن‌ها از جرم بیش از پیش حائز اهمیت است. اگرچه شواهد قوی دال بر قدرت رسانه‌های خبری در افزایش دیدگاه عمومی نسبت به اهمیت جرم وجود دارد، مکانیسم‌های خاصی که حمایت عمومی را از مجازات‌های اشد افزایش می‌دهد، کمتر درک شده است. در این میان، مابین اهالی رسانه و حقوق، به‌ویژه جرم‌شناسان، نظریه متفاوتی در مورد اثر پوشش رسانه‌ای جرم بر میزان جرائم و یا جرم‌خیزی وجود دارد که در ادامه بررسی خواهد شد.

ماشه یا سکان

اتفاق نظری در این خصوص در میان محققان چندین رشته، از جمله مطالعات رسانه، علوم سیاسی و جرم‌شناسی که نظریه‌های مختلفی را برای توضیح رابطه رسانه و مجازات ارائه کرده‌اند، وجود ندارد. برخی افزایش مجازات را به اثر قاب‌بندی رسانه‌ها نسبت می‌دهند که از طریق قاب‌بندی اپیزودیک داستان‌ها به‌دست می‌آید. برخی دیگر از محققان، رسانه‌ها را برای ایجاد ترس در بینندگان سرزنش می‌کنند، زیرا واکنش‌های عاطفی را برمی‌انگیزد. گزارش‌های خبری بسته به عوامل مختلفی، از جمله دیدگاه‌های موجود، تجربه‌های گذشته و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، بر نگرش‌های افراد تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، این امکان وجود دارد که شیوه پوشش اخبار مربوط به جرم، به‌ویژه در جرائم خشونت‌بار، برای سایر مجرمان به‌عنوان محرک تلقی شود. اگرچه برخی محققان شواهدی ارائه می‌دهند که این فرضیه به نفع نظریه "اثرات کپی برداری" و استفاده سایر مجرمان از سبک‌های مشابه جنایات، تغییر رویکرد می‌دهد. این سؤال که آیا پوشش رسانه‌ای جرائم خشونت‌آمیز ممکن است تأثیراتی بر میزان جرم داشته باشد، بسیار بحث‌برانگیز است. به‌طور کلی، دو نظریه برای توضیح تأثیراتی که پوشش رسانه‌ای جرائم خشونت‌آمیز ممکن است بر رفتار مجرمانه داشته باشد، استفاده شده است: مدل پرخاشگری عمومی یا مدل "کاتالیزور". حامیان مدل پرخاشگری عمومی مطمئن هستند که فرارگرفتن در معرض پوشش رسانه‌ای جنایت‌های خشونت‌آمیز یکی از عواملی است که "محرک یا ماشه" پرخاشگری انسانی است. محققانی که از این نظریه دفاع می‌کنند، ادعا می‌کنند که رسانه‌ها تا حدی مسئول رفتارهای انحرافی هستند و با حساسیت‌زدایی مردم نسبت به درد و رنج دیگران به خشونت کمک می‌کنند. برای نمونه، برخی معتقدند که دست‌کم ۳۰ مورد خشونت با اسلحه از صحنه رولت روسی فیلم شکارچی گوزن الهام گرفته شده است. گاهی افرادی با سابقه بزهکاری خشونت‌آمیز، از قبل در معرض خطر تأثیرات خشونت‌آمیز رسانه‌ای قرار می‌گیرند. به یقین، افراد درگیر در فعالیت‌های جنایی بینندگان منفعل نیستند و می‌توان انتظار داشت که رسانه‌ها با توضیح انگیزه‌های خاص باندهای جنایتکار، می‌توانند برای آنان

محرك تلقی شونند. در مخالفت با مدل پرخاشگری عمومی، برخی از محققان مجموعه‌ای از نظریه‌ها را ارائه کرده‌اند که رسانه‌ها را به‌عنوان "سکان" جنایت توصیف می‌کنند. این محققان خاطر نشان می‌کنند که ما علی‌رغم فراگیر شدن پوشش رسانه‌ای جنایت‌های خشونت‌آمیز، در صلح‌آمیزترین دوران تاریخ بشر زندگی می‌کنیم. آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند که پوشش رسانه‌ای جنایت‌های خشونت‌آمیز، همدلی با قربانیان خشونت واقعی را کاهش نمی‌دهد و رفتار پرخاشگرانه بیشتری نیز ایجاد نمی‌کند. کسانی که نظریه "سکان" را تأیید می‌کنند، افراد را "شکل‌دهنده و پردازشگر فعال فرهنگ رسانه‌ای" تصور می‌کنند. به‌عبارت دیگر، این مدل‌ها معتقدند که تعامل بین رسانه و رفتار، توسط کاربر رسانه مدیریت می‌شود. طرفداران نظریه "سکان" پیشنهاد می‌کنند که رسانه‌ها به جای ایجاد جنایت، ممکن است ایده‌های سبکی را به مجرمان بالقوه ارائه دهند؛ یعنی ترویج جرم کپی‌برداری از جرم. به‌عبارت دیگر، رسانه‌ها منبع شناسایی تکنیک‌های جرم هستند، اما محرك جرم نیستند. برای نمونه، تحقیق سارت در سال ۲۰۱۳، در نظرسنجی‌های ناشناس از ۵۷۴ زندانی مرد و زن به این نتیجه رسید که رسانه‌ها با ارائه الگوهای آموزشی به افراد مستعد بر سبک جرائم تأثیر می‌گذارند، اما به‌خودی‌خود باعث جنایت نمی‌شوند. او اصطلاح "سکان" را ابداع کرد تا نشان دهد که چگونه تصویرهای رسانه‌ای از جنایت، به‌جای این‌که به‌عنوان یک کاتالیزور مستقیم برای خود جرم عمل کند، شیوه و سبکی را که جرم به خود می‌گیرد، شکل می‌دهد (ریوس و فرگوسن^۱، ۲۰۱۸: ۳-۴).

معتقد به نظریه "ماشه" باشیم یا نظریه "سکان"، رویکرد رسانه‌ها در پوشش جرائم نیازمند قاعده‌مندی است. اهمیت حقوق رسانه در این حوزه کامل هویدا است. وضع قواعد در راستای پوشش رسانه‌ای از جرم در راستای حمایت از حقوق متهم قبل از اثبات جرم و حتی پس از آن و نیز حقوق قربانیان جرم، البته در تمام کشورها به یک نحو نیست، اما به نظر می‌رسد رویکردهای حاضر که در ادامه مورد تحلیل قرار می‌گیرد، در واقع همین هدف را دنبال می‌کند. در ادامه به بررسی قتلی که در نوا اسکوشیای کانادا رخ داد و در مقدمه به آن اشاره شد و رسالت حقوقی و اخلاقی رسانه‌ها در مورد آن، می‌پردازیم.

پس از واقعه نوا اسکوشیا، بحث‌های متعددی در مورد این‌که آیا روزنامه‌نگاران باید نام و عکس‌های تیرانداز را منتشر کنند یا خیر، وجود داشته است. از یک‌طرف، بیشتر متخصصان رسانه در دفاع از افشای کامل اطلاعات استدلال کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر اذعان دارند پوشش خبری باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که در مورد قربانیان و خانواده‌های آن‌ها حساسیت به خرج داده شود و محدودیت‌هایی در انتشار اعمال شود. از سوی دیگر، بسیاری از مردم، از جمله نخست‌وزیر، از خبرنگاران خواستند که نام فرد مسلح را منتشر نکنند و تصویر او را نادیده بگیرند. به دنبال تحقیقاتی که تهدید واقعی کپی‌برداری از جنایت‌ها را نشان می‌دهد و

رویکردی که توسط یک گروه حامی حقوق قربانیان جرم در آمریکا^۱ اتخاذ شده است، عموم مردم مصرانه این درخواست را مطرح می‌کردند که به تیرانداز به قول جاستین ترو دو^۲ هدیه بدنامی^۳ داده نشود.

بحث اخیر در مورد افشای هویت و شناسایی افراد متهم به جرائم جدی، ممکن است بسیاری را شگفت‌زده کند. به هر حال، در کانادا، همیشه اسامی اعلام می‌شود و در صورت وجود، عکس‌ها و فیلم‌ها انتشار می‌یابند. این رویه پیش‌فرض روزنامه‌نگاری برای بیش از صد سال بوده است و برای مدت طولانی‌تر از آن در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا همین شیوه رواج داشته است که هر دو بر نگرش کانادایی‌ها در مورد نحوه پوشش خبری جرائم تأثیر گذاشته است. بنابراین، ممکن است جای تعجب بیشتری باشد که بدانیم این رویه در افشای نام و هویت مجرم، جهانی نیست.

تعداد کمی از روزنامه‌نگاران در کشورهای مورد مطالعه به این نکته پی برده بودند که دیگران، جرائم را به طرز متفاوتی پوشش می‌دهند. بیشتر آن‌ها تصور می‌کنند که شیوه عمل آن‌ها یک رویه عام است. در حالی که از روزنامه‌نگاران در کانادا خواسته می‌شود که در افشای هویت تیرانداز نوا اسکوشیا خویشتن‌داری کنند، موردی از هلند در سال ۲۰۰۹ را در نظر بگیرید که رویکرد متضادی را با این مسئله نشان می‌دهد.

ماه آوریل، در یک روستای کوچک به نام آپلدورن، در تعطیلات ملی به مناسبت جشن روز تولد ملکه (مادر) هلند، در حالی که دوربین‌های تلویزیون ملی و محلی در حال گردش میان مردم بودند و عکاسان خبری برای مستندکردن اتفاقاتی که به‌طور معمول در یک رویداد شاد می‌افتد، عکس می‌گرفتند، مردی اتومبیل کوچکی را از میان دو مانع پلیس مستقیم به سمت جمعیت تماشاچیان مسیر رژه راند. راننده با استفاده از اتومبیل به‌عنوان سلاح، هفت نفر را کشت و ۱۰ نفر دیگر را به‌شدت مجروح کرد و سپس در یک بنای یادبود سنگی بزرگ متوقف شد. روز بعد، وی بر اثر جراحات‌های وارده جان باخت، اما قبل از آن به پلیس اعتراف کرد که قصد ترور ملکه بئاتریکس^۳ را داشته است. نام این مرد کارست تیتز بود، اما تعداد کمی از مردم هلند این را می‌دانستند، به‌ویژه افرادی که تنها به پوشش ارائه‌شده توسط خبرگزاری‌های هلندی چون ای ان پی^۴ اتکا می‌کردند. تنها یک خبرگزاری به نام او کفایت کرد و مهاجم را فقط «کارست تیتز»^۵ نامید. چنین اقدامی مطابق قانون الزامی نبود و تنها در هلند و چند کشور اروپایی و اسکاندیناوی دیگر، روزنامه‌نگاران چنین انتخاب‌هایی را برای محافظت از متهمان و خانواده‌هایشان انجام می‌دهند، زیرا معتقدند انجام وظیفه به این شکل اخلاقی است.

1. Equal Justice Initiative (EJI)
2. Justin Trudeau
3. Beatrix
4. ANP
5. Karst Roeland Tates

سردبیر ای ان پی به مگی جونز پترسون، استاد روزنامه‌نگاری در دانشگاه دوکسن در پیتسبورگ، گفت: «بیشتر رسانه‌های معتبر هلند به‌طور معمول از افرادی که متهم یا در برخی موارد محکوم به جرائم جدی هستند، نام نمی‌برند یا هویت آنان را افشا نمی‌کنند». سؤال مهم این است که چگونه هلند، کشوری که از بسیاری جهات به‌ظاهر شبیه کانادا است، از این نظر بسیار متفاوت عمل می‌کند؟ این مسئله باعث آغاز یک پژوهش ۱۰ ساله شد که در آن رویه‌های پوشش خبری جرم در ۱۰ کشور (کانادا، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، ایرلند، سوئد، هلند، آلمان، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا) تجزیه و تحلیل شده است. در این پژوهش از تصمیم‌های روزنامه‌نگاران در مورد این‌که چگونه و به چه روش‌هایی جرائم را پوشش خبری می‌دهند، به‌عنوان دریچه‌ای برای بررسی نگرش‌های فرهنگی به مفاهیمی مانند «عمومی»، «حریم خصوصی»، «حق عمومی برای دانستن» و «عدالت» استفاده شده است.

این تحقیق پس از آشنایی با قوانین مربوط به رسانه‌ها و کدهای اخلاقی رایج در هر کشور، با مطالعه نمونه‌ها و انجام مصاحبه‌های بعدی (در مجموع نزدیک به ۲۰۰ مصاحبه) با خبرنگاران جنایی انجام شده است. ویراستاران و مدرسان روزنامه‌نگاری مورد سؤال قرار گرفته‌اند تا بگویند که چرا و چگونه تصمیم‌های خود را درباره انتشار هویت یا عدم انتشار هویت مجرمان، اتخاذ کرده‌اند. سپس کشورها براساس مکاتب فکری غالب به گروه‌هایی تقسیم شدند. یکی از یافته‌ها که مربوط به بحث فعلی است و در کانادا اتفاق می‌افتد، این است که کشورهای دیگر تصمیم‌های متفاوتی در مورد افشای نام متهمان و محکومان اتخاذ می‌کنند و این انتخاب‌ها بر اساس تاریخ، ارزش‌ها و باورهای منحصر به فرد، در هر منطقه متفاوت است. طبق تجربه به‌دست آمده، بیشتر اصحاب رسانه تصور می‌کنند که عمل آن‌ها درست و رویه جاری است. این بدان معنا نیست که روزنامه‌نگاران در کشورهای دیگر هرگز نامی را ذکر نمی‌کنند، بلکه آن‌ها به‌دقت این مورد را بررسی می‌کنند که آیا افشای اسامی براساس منافع عمومی هست یا خیر. روزنامه‌نگاران هلندی به سه ارزش اشاره کرده‌اند که هنگام تصمیم‌گیری آن‌ها را در نظر می‌گیرند: نخست این‌که معتقدند متهم دارای خانواده است؛ بنابراین، همه آنان در معرض آسیب این افشای هویت هستند، درحالی‌که هرگز انتخاب نکرده‌اند که بخشی از این ماجرا باشند؛ دوم، روزنامه‌نگاران خاطر نشان می‌کنند که پوشش رسانه‌ای می‌تواند آماره برائت را از بین ببرد و این ناعادلانه است؛ سوم، این‌که روزنامه‌نگاران خاطر نشان می‌کنند پس از محکومیت، زمانی که یک فرد دین خود را به جامعه ادا کرد، باید بتواند بدون انگ بدنامی به جامعه خود بپیوندد.

سیستم عدالت کیفری در کشورهایی مانند هلند، سوئد و آلمان، دارای ارزش‌های مشترکی چون شفافیت، دسترسی عمومی و عدالت هستند و شهروندان و روزنامه‌نگاران تا حد زیادی به دولت‌ها، پلیس و سیستم عدالت کیفری خود اعتماد دارند. آن‌ها معتقدند که می‌توان وقایع را

نقل کرد و جزئیات را بدون پرداختن به مسائل اختصاصی به اشتراک گذاشت. همچنین نگران قضاوت رسانه‌ای هستند که می‌تواند برای متهمان و خانواده‌هایشان ناعادلانه باشد و حتی اگر محکومیتی وجود داشته باشد، بیشتر آن‌ها می‌خواهند به مجرمان فرصتی دوباره داده شود تا به جامعه بازگردند. سیاست‌های مطبوعاتی حمایتی نشان می‌دهد که هر کسی می‌تواند اشتباه کند و هیچ‌کس شایسته اخراج همیشگی از جامعه نیست. در کانادا مردم با پیشینه‌های مختلف قضایی، سیاسی و مطبوعاتی به این کشور آمده‌اند. بحث کنونی ما در مورد افشای هویت و برجسب‌زنی با پیش‌زمینه‌ای از قوانین و رویه‌هایی انجام می‌شود که بر این باور است که سوابق عمومی باید برای عموم مردم در دسترس باشد و جزئیات واقعی اغلب توسط مطبوعات منتشر شود. خبرنگاران به‌عنوان نگهبان و ناظر عمل می‌کنند و همواره دولت و نهادهای حاکمیتی را زیر نظر دارند، زیرا شهروندان برای آزادی و مشارکت در یک دموکراسی واقعی به اطلاعات کافی و روشن نیاز دارند. هنگامی که فردی متهم به جرمی می‌شود، بهترین عمل شفافیت است تا در بدترین حالت از تفتیش عقاید مخفی یا حبس جلوگیری شود و بنابراین، از اسامی نام برده می‌شود. اما این در حالی است که امکان دارد یک متهم در نهایت بی‌گناه شناخته شود و لکه‌ای بر شهرت و اعتبار او باقی بماند و این موضوع، اگرچه ممکن است آسیب جانبی جدی برای وی و اعضای خانواده‌اش تلقی شود، اما خیر بزرگ‌تری به‌دست می‌آید و حقیقت در نهایت پیروز خواهد شد.

هدف تحقیق فولرتون و جونز پترسون، این نبوده است که کدام رویکرد برای پوشش جرم بهتر یا اخلاقی‌تر است، بلکه غایت این بوده که نشان داده شود، انتخاب‌های یک کشور به‌صورت عمیق ریشه در ارزش‌ها و باورهای دارد که در گذر زمان، منعکس‌کننده تلقی جامعه، از عدالت است. هیچ‌یک از این رویه‌ها ثابت و غیر قابل تغییر نیستند، زیرا باید آنچه را که اکثریت مردم برای آن ارزش قائل هستند، منعکس کنند و این فرایندی است که به‌طور مستمر نیازمند بررسی و بازنگری است. برای روزنامه‌نگاران و مردم مهم است که شیوه‌های فعلی را زیر سؤال ببرند و تصمیم بگیرند که آیا کاندایی‌ها همچنان برای ارزش‌ها و ایدئال‌هایی که زیربنای افشای نام‌ها هستند اولویت قائل هستند یا خیر.

محافظان، دیده‌بانان و دوسوگرایان

فولرتون و پترسون در کتاب خود درباره اخلاق حرفه‌ای پوشش خبری جرم، از یافته‌های خود برای سازماندهی کشورهای نمونه خود در سه مدل رسانه‌ای استفاده کرده‌اند: محافظان^۱ (هلند، سوئد، آلمان) که در آن پیش‌فرض، محافظت از متهم یا محکوم است؛ دیده‌بانان^۲

1. Protectors
2. Observers (Watchdogs)

کانادا، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، ایرلند) که رویه معمول آن‌ها افشای هویت و شناسایی کامل مجرمان است و دوسوگراها^۱ (اسپانیا، پرتغال، ایتالیا)، متشکل از دموکراسی‌های جوان که روزنامه‌نگاران، همان‌طور که از نامشان پیداست، جنبه‌های اقدام را از دو مدل دیگر وام می‌گیرند. سوئد دارای قدیمی‌ترین قوانین آزادی مطبوعات در جهان است، اما امکان وضع قوانین حفظ حریم خصوصی توسط دولت وجود دارد؛ بنابراین، مطبوعات سوئد با پارلمان خود بر این مبنا مصالحه کردند که در آن «شما ممکن است بتوانید جزئیات هویت فرد را اگر در مورد یک شخص عمومی و یک رویداد عمومی بود، منتشر کنید، اما نه در مورد یک شخص خصوصی و یک رویداد خصوصی». بنابراین، روزنامه‌نگاران در سوئد بر این عقیده هستند که در وقایع جنایی زمانی که یک شخص خصوصی مرتکب جرم خصوصی، مانند خشونت خانگی می‌شود، جزئیات نباید علنی شود. اما از سوی دیگر، هویت و مشخصات متهم زمانی که یک شخص عمومی مرتکب جرم عمومی می‌شود، مانند زمانی که یک مقام دولتی با پول عمومی درگیر کلاهبرداری می‌شود، باید به‌طور کامل معرفی شود. همین موضع در آلمان نیز اتخاذ شده است؛ جایی که زندگی شخصی یک مقام ممکن است جنبه عمومی پیدا کند. سؤالات چالش‌برانگیزتر در موقعیت‌هایی مطرح می‌شوند که شخص خصوصی درگیر با یک رویداد عمومی و یا یک شخص عمومی درگیر با یک رویداد خصوصی می‌شود. برای نمونه، جنایت «کارسست تیتز» در روز ملکه در هلند مربوط به یک شخص خصوصی در مرکز یک رویداد عمومی بود و برخی رسانه‌های خبری هلندی نام او را افشا کردند، درحالی که دیگران نامی از او ذکر نکردند.

یک فرد مشهور یا مقام دولتی که درگیر خشونت خانگی می‌شود، یک رویداد شخصی و خصوصی است، اما ایراد اتهام تجاوز جنسی وقتی مطرح می‌شود باید از حوزه خصوصی خارج شود. ایراد اتهام تجاوز جنسی که در سال ۲۰۱۱ توسط خدمتکار هتلی در نیویورک، علیه دومینیک استراوس کان^۲، رئیس وقت صندوق بین‌المللی پول^۳ مطرح شد، از این دست است. درحالی که بسیاری، اما نه همه رسانه‌های خبری در کشورهای معتقد به رویه محافظت، معتقدند اگر واقعه در داخل مرزهای آن‌ها اتفاق بیافتد ممکن است چنین وضعیتی را نادیده بگیرند، اما این دستگیری در نیویورک اتفاق افتاد و این اتهام‌ها در سرتاسر جهان خبرساز شد. بیشتر خبرنگاران در کشورهای دیده‌بان به این موضوع فکر نمی‌کنند که افراد عمومی حق دارند از حریم خصوصی برخوردار شوند و دادگاه‌های آن‌ها نیز این موضوع را نمی‌پذیرند، اما محافظان تلاش می‌کنند آنچه را که به‌عنوان منافع عمومی^۴ در نظر می‌گیرند، فقط از روی

1. Ambivalent
2. Dominique Strauss-Kahn
3. International Monetary Fund (IMF)
4. Public Interest

کنجکاوی نسنجند. سردبیر روزنامه استکهلم، مارتین یونسون^۱، اغلب چنین تصمیم‌هایی می‌گرفت. او به نویسندگان کتاب اعلام کرده است که: «به‌تازگی یک مقام منتخب محلی داشتیم که برای دومین بار در یک ماه گذشته برهنه و مست در دفترش پیدا شد. ما مجبور شدیم نام او را منتشر کنیم. احمقانه بود اگر این کار را نمی‌کردیم»^۲.

در ادامه به تحلیل محتوای قانون موسوم به «ممنوعیت انتشار»^۳ ۲۰۲۱ که در کانادا تدوین شده است، می‌پردازیم تا تفاوت‌های رویکردهای ذکر شده را از جنبه دیگری که حقوق قربانیان جرائم است، بررسی کنیم. این بررسی زمانی مفید خواهد بود که با شیوه‌ای تطبیقی با قوانین داخلی کشورمان مورد مقایسه قرار گیرد تا تفاوت رویکرد رسانه‌ای و قانونی به انتشار و افشای اطلاعات متهم یا مجرم، روشن شود.

گستره تطبیق حقوق کانادا و ایران در خصوص افشای اطلاعات متهمان

کانادا به‌عنوان دولتی که سیاست دیده‌بانان را در مورد افشای اطلاعات متهمان و مجرمان اتخاذ کرده و رویه معمول این کشور افشای هویت و شناسایی کامل مجرمان است، مورد مناسبی برای تحلیل این موضوع است که رویکرد رسانه‌ای در حوزه جرم چگونه با قوانین داخلی تراوایی دارد و میزان تأثیر و تأثر آن چگونه است. در جایگاه بررسی تطبیقی، نظام حقوقی ایران با تمام تفاوت‌هایی که در حقوق رسانه و قوانین موضوعه دارد، در موضوع حمایت از حقوق متهم، عدم افشای اطلاعات، حفظ کرامت و حیثیت و رعایت حقوق شهروندی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از آن مهم‌تر این موضوع مورد بحث است که رویکرد رسانه‌ای بر تصمیم‌های قضایی و یا تدوین قوانین تا چه حد تأثیرگذار است.

حقوق قربانیان در کانادا در پرتو لایحه ممنوعیت انتشار اطلاعات

جست‌وجوی سیستماتیکی که در مقاله‌های خبری روزنامه‌های مهم کانادا بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹، با تمرکز بر سه نوع جرم خشونت‌آمیز «دزدی»، «قتل» و «ضرب و جرح» صورت گرفته، نشان می‌دهد رسانه‌ها حتی در انگ‌زنی مکانی هم نقش مهمی داشته‌اند؛ به این نحو که اعلام کرده‌اند، بیشتر محله‌های شناسایی‌شده جرم‌خیز در منطقه یورک شمالی و مرکز شهر تورنتو واقع شده‌اند. در مجموع، این کار ضرورت نقدگفتمان‌های افتراآمیز در رسانه‌ها و نیز میزان پوشش رسانه‌ها از فعالیت‌های مجرمانه را برجسته می‌کند، زیرا سطح پوشش به‌خودی‌خود به‌احتمال زیاد عامل تعیین‌کننده مهمی برای انگ‌زنی است (یاهیو^۴، ۲۰۲۲: ۱).

1. Martin Johnson

2. <https://www.canadaland.com/different-crime-coverage-practices-naming-accused>

3. Publication Bans

4. Jahiu

در کانادا سیستم حمایت از حقوق قربانیان بر پایه مرکز سیاست‌گذاری در مورد مسائل قربانیان و لایحه قانونی حقوق قربانیان استوار است که در مورد مسائل قربانیان، راهبرد فدرال برای حمایت از قربانیان را اجرا می‌کند. هدف این راهبرد، ارائه نقش مؤثرتر به قربانیان جرم در سیستم عدالت کیفری است. این مرکز اصلاحات قوانین کیفری و سیاست‌گذاری در این حوزه را توسعه می‌دهد، صندوق قربانیان را مدیریت می‌کند و اطلاعات را در مورد مسائل مهم برای قربانیان جرم به اشتراک می‌گذارد. "لایحه قانونی حقوق قربانیان کانادا" در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۵ به اجرا درآمده و حقوق قانونی را در سطح فدرال برای قربانیان جرم ایجاد کرده است. بنابراین، قربانیان جرم از حق اطلاع، حفاظت، مشارکت و درخواست استرداد برخوردارند. همچنین، قربانیان می‌توانند در صورتی که معتقدند حقوقشان نقض شده، شکایت کنند. سیستم عدالت کیفری در کانادا برای افزایش آگاهی در مورد این منشور و ارائه اطلاعات به قربانیان جرم در مورد مقررات قانون کیفری در دسترس برای کمک به آنها، مجموعه‌ای از اطلاعات مورد نظر را در اختیار عموم قرار داده که از جمله آنها "لایحه ممنوعیت انتشار" است که در تاریخ ۲۰۲۱/۰۷/۰۷ تدوین شده و در ادامه به تحلیل محتوای آن می‌پردازیم: ممنوعیت انتشار قرار است که توسط دادگاه صادر می‌شود و همه افراد را از انتشار یا ارسال هرگونه اطلاعاتی که می‌تواند منجر به شناسایی قربانی، شاهد یا شخص دیگری که در سیستم عدالت کیفری مشارکت دارد شود، باز می‌دارد. ممنوعیت انتشار بر این است که به قربانیان و شاهدان اجازه مشارکت در سیستم قضایی بدون متحمل شدن هرگونه عواقب منفی را بدهد. بر اساس لایحه حقوق قربانیان کانادا، هر قربانی این حق را دارد تا حریم خصوصی وی توسط مقامات در سیستم قضایی کیفری در نظر گرفته شود و نیز هر قربانی می‌تواند درخواست دهد که از هویت او محافظت شود. این حقوق بخشی از حق حمایت از قربانیان است.

اصل علنی بودن، بخش مهمی از سیستم عدالت کیفری کانادا است. به عنوان یک قاعده کلی، تمام رسیدگی‌ها در دادگاه علنی انجام می‌شود و اسامی همه شهود، قربانیان و متهمان منتشر می‌شود. البته استثنائاتی وجود دارد و زمانی اتفاق می‌افتد که دادگاه برای محافظت از قربانی، شاهد یا شرکت‌کننده در رسیدگی قضایی، قرار ممنوعیت انتشار صادر کند. دادگاه هنگام تصمیم‌گیری برای صدور قرار، فرد مورد حمایت از ممنوعیت انتشار، نوع جرم و سایر عوامل را در نظر می‌گیرد.

ممنوعیت انتشار ممکن است برای نمونه در موارد زیر مناسب تشخیص داده شود:

- تشویق شاهدانی که از ادای شهادت بیم دارند؛
- حفاظت از شاهدان آسیب‌پذیر، از جمله کودکان و قربانیان جرم؛

- تشویق قربانیان و دیگران به گزارش دهی در مورد جرائمی که به طور معمول کمتر گزارش می شوند، مانند جرائم جنسی؛
- حفاظت از حریم خصوصی شرکت کنندگان در سیستم عدالت قضایی.

قوانین کیفری بسته به این که چه کسی برای ممنوعیت انتشار درخواست کرده و ماهیت رسیدگی، تفاوت دارد. برای نمونه، دادگاه باید قربانیان زیر ۱۸ سال سن را از حقتشان برای درخواست ممنوعیت انتشار مطلع کند و در صورت درخواست قربانی، دادگاه باید قرار ممنوعیت انتشار را صادر کند. دادگاه همچنین باید به همه قربانیان و شاهدان جرائم جنسی زیر ۱۸ سال اعلام کند که حق درخواست ممنوعیت انتشار را دارند و چنانچه درخواست ممنوعیت بدهند، دادگاه باید به صدور قرار اقدام کند. قانون کیفری همچنین بیان می کند که اگر دادگاه معتقد باشد که این دستور "به نفع اجرای عدالت" است، می تواند برای محافظت از هویت هر قربانی یا هر شاهد دیگری نیز دستور ممنوعیت انتشار دهد. دادگاه همچنین می تواند این قرار را برای سایر افرادی که در فرایند دادرسی کیفری شرکت دارند، مانند هیئت منصفه، افسر پلیس یا منبع خبری پلیس برای جرائم مربوط به سازمان های جنایی، تروریسم و امنیت ملی، صادر کند.

دادگاه در هنگام تصمیم گیری برای صدور قرار ممنوعیت انتشار برای چنین قربانیان، شاهدان یا شرکت کنندگانی در سیستم قضایی، باید چند عامل را در نظر بگیرد:

- حق متهم برای رسیدگی عادلانه و علنی؛
- بررسی خطر آسیب دیدن قربانی، شاهد یا شرکت کننده در سیستم قضایی در صورت افشای هویت؛
- بررسی این مسئله که آیا قرار مزبور برای محافظت از قربانی، شاهد یا شرکت کننده در سیستم قضایی لازم است؟؛
- منافع جامعه در تشویق به گزارش جرائم و نیز مشارکت قربانیان و شهود در سیستم عدالت کیفری (برای نمونه، افسران دادگاه یا هیئت منصفه).

قانون کیفری مراحل درخواست ممنوعیت انتشار را تعیین می کند:

- دادستان یا قربانی باید درخواست ممنوعیت انتشار و دلایل خود را به صورت مکتوب ارائه دهد.
- درخواست خطاب به همان قاضی که به پرونده رسیدگی خواهد کرد، ارائه می شود.
- دادستان، متهم و هر شخص دیگری که ممکن است از قرار ممنوعیت انتشار متأثر شود، باید از درخواست مطلع شود. دادگاه تصمیم خواهد گرفت که آیا رسانه‌ها یا هرکس دیگری که ممکن است از درخواست تحت تأثیر قرار گیرد، مطلع شود یا خیر.

- دادگاه ممکن است برای بررسی درخواست ممنوعیت انتشار، تشکیل جلسه دهد. در جلسه، قربانی، شاهد یا فرد شرکت‌کننده در سیستم عدالت کیفری، می‌تواند ابراز دارد که چرا به این قرار نیاز دارد. دادستان، متهم، رسانه‌ها یا سایر طرف‌های متأثر از قرار نیز می‌توانند صحبت کنند.

جلسه‌ استماع برای تصمیم‌گیری در مورد صدور قرار ممنوعیت انتشار، ممکن است به جای دادگاه علنی به صورت خصوصی برگزار شود. قربانی، شاهد یا شرکت‌کننده در سیستم قضایی که خواستار ممنوعیت انتشار است، می‌تواند خود یا توسط وکیل مدافع صحبت کند. اگر دادگاه موافقت کند که ممنوعیت انتشار برای محافظت از هویت قربانی، شاهد یا فرد شرکت‌کننده در سیستم قضایی ضرورت دارد، قرار ممنوعیت انتشار را صادر می‌کند. این قرار ممکن است دارای شرایط مشخص یا شروط ضمیمه‌ای باشد. برای نمونه، ممکن است فقط برای یک مدت زمان مشخص، مؤثر باشد¹ (justice.gc.ca).

اهمیت پوشش رسانه‌ای و اثر آن بر انگ اجتماعی در کانادا در مقایسه با سایر کشورها اهمیت دوچندانی دارد. تحلیلی از مقاله‌های خبری جنایی و آمار جرم و جنایت در تورنتو نشان داده است که برچسب‌زنی در دهه گذشته با سرعت گرفتن نابرابری‌های شهری و تنوع فرهنگی در پی مهاجری‌پذیری فزاینده، به عنوان فرایندی پیچیده و چندوجهی، ابعاد قابل توجهی پیدا کرده است. پوشش رسانه‌ای را باید به عنوان مسیری شناسایی کرد که از طریق آن محله‌های خاص، افراد با ویژگی‌های خاص و نیز قربانیان با آسیب‌های ویژه می‌توانند به عنوان اهداف مناسب برای فعالیت‌های مجرمانه شناخته شوند که این در تضاد با حقوق متهم و نیز قربانیان در حیطه حریم خصوصی آنان است. به زعم نگارندگان، با توجه به لایحه جدید دولت کانادا که نفرت‌پراکنی را ممنوع می‌کند، از آنجایی که انتشار هویت و مشخصات متهم یا مجرم حتی محله سکونت فرد ممکن است باعث تحریک‌های نژادی یا قومیتی خاصی شده و باعث برچسب‌زنی شود، علی‌القاعده رویکرد دیده‌بانان در کانادا سبب تدوین قوانین و تصمیم‌های قضایی مبتنی بر این نظریه شده است. در آخر باید به مسئولیت‌های قربانیان، شاهدان و سایر افرادی که هویت آن‌ها توسط ممنوعیت انتشار محافظت می‌شود، نیز پرداخت. برای قربانیان، شاهدان و مشارکت‌کنندگان در نظام قضایی مهم است که بدانند اگر دادگاه دستور ممنوعیت انتشار را صادر کند، نام آن‌ها در اخبار منتشر نمی‌شود و نمی‌توانند به طریق دیگری با رسانه‌ها ارتباط برقرار کنند. قربانی، شاهد یا فرد درگیر در سیستم قضایی ممکن است در آینده تصمیم بگیرد که دیگر تمایل به ادامه ممنوعیت انتشار ندارد. بنابراین، باید از دادگاه صدور قرار برای پایان دادن به آن بخواهد و نیز بیان کند که چگونه شرایطی که صدور قرار را ایجاب

1. <https://www.justice.gc.ca/eng/cj-jp/victims-victimes/factsheets-fiches/publication.html>

می‌کرد، تغییر یافته است. بنابراین، این محرمانگی هویت شهود و قربانیان جرم و عدم افشای آن توسط رسانه‌ها با صدور قرار دادگاه میسر می‌شود. در این صورت، رسانه‌ها به صورت محدودتر به تولید گزارش‌های خبری اقدام کرده و همان‌طور که جامعه از حق اطلاع بهره‌مند می‌شود، از قربانیان نیز محافظت می‌شود.

انتشار تصاویر و مشخصات متهم در رسانه‌ها در نظام حقوقی ایران

سرمایه اجتماعی، وجود مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون در میانشان وجود دارد، در آن سهیم هستند. کلمن، نخستین محقق بود که به بررسی تجربی مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخت و به کارکرد سرمایه اجتماعی توجه دارد. به نظر وی، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، مجاری اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت اجرایی است که انواع خاصی از رفتارها را تشویق کرده یا مانع آن می‌شود (ایمان‌زاده و جوادی، ۱۳۹۶: ۳). بنابراین، در بحث سرمایه اجتماعی، رسانه به منزله کاتالیزور عمل می‌کند. این تأثیر شگرف رسانه‌های ارتباط جمعی است که با میزان محبوبیت و وثوق خود افکار عمومی را جهت داده و رفتار یا رویکرد خاصی را در ساختاری به نام سرمایه اجتماعی سبب می‌شوند. بازخورد جامعه از شیوه انتشار اطلاعات در مورد متهم یا مجرم نیز یکی از این رویکردها است. از آنجا که قانون نیز برآمده از همین هنجارها، عرف‌ها و ارزش‌هاست، سوگیری سرمایه اجتماعی بر سیستم قانون‌گذاری و قضایی نیز تأثیرگذار خواهد بود. تأثیر رسانه‌های جمعی بر عدالت کیفری در ایران نیز، محل بحث است: این‌که چگونه برخورد با جرم و عدالت کیفری در رسانه‌های خبری به کنترل و پیشگیری از جرم کمک می‌کنند یا مانع آن می‌شوند و آیا علی‌القاعده رسانه‌های جمعی ممکن است بر تصمیم‌گیری‌های قضایی تأثیرگذار باشد؟ و این‌که چگونه رویه‌های موجود ممکن است سبب نقض حقوق متهم شود؟ شواهد در سراسر جهان نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند بر تصمیم‌گیری قضایی در زمینه‌های وسیع‌تر تأثیر بگذارند. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای عدالت و سیاست قضایی دارند و گاهی حتی به‌عنوان یک عامل مهم در روند جنایی و یک مانع بالقوه در راه دستیابی به آرمان قانون اساسی برای محاکمه عادلانه تلقی می‌شوند. رسانه‌های جمعی ممکن است به‌عنوان مشکلی برای دستیابی به درک دقیق واقعیت‌های جرم و عدالت کیفری از طریق پوشش رسانه‌ای جرم، مبدل شوند و باعث پیش‌داوری و قضاوت غیرمنصفانه افکار عمومی شوند.

جمهوری اسلامی ایران نیز از درگیری با رویه‌های مرسوم مستثنی نیست. از یک‌سو، انتشار مشخصات متهم راهکاری برای هشدار، اطلاع‌رسانی، بازدارندگی یا حمایت از بزه‌دیدگان احتمالی است و از سوی دیگر، با توجه به مخاطبان، این احتمال وجود دارد که اطلاع‌رسانی‌های

بی ضابطه، شتاب زده و غیراستاندارد، موجب عادی سازی فساد، خشونت و هنجارشکنی شده و سبب نقض کرامت انسانی متهم، نقض محرمانگی تحقیقات و بزرگ‌نمایی جرم شود. در رسانه‌های ایران آنچه مرز رسانه‌های عمومی و تخصصی است، همین رعایت دو کفه ترازوی اطلاع‌رسانی و عدالت کیفری است.

بدیهی است که نشر افکار یکی از اهداف مطبوعات است و از آنجایی که افکار یکنواخت نیست، افکار متفاوت، متضاد و گاه همسو یا ناهمسو مطرح می‌شود. باید پشت نشر افکار، تنویر افکار باشد؛ یعنی قصد این باشد که افکار روشن شود نه این‌که آشفته شود. مطبوعات نمی‌توانند به بهانه آزادی بیان، حقوق افراد را لکه‌دار کنند یا مخل مبنای حقوق عمومی باشند. آن‌ها نباید حقوق افراد را دستکاری کنند یا در جامعه، زمینه نقض حقوق عمومی را فراهم کنند. آزادی مطبوعات را باید در کنار تنویر افکار عمومی معنا کرد (مالکی و واعظی، ۱۳۹۱: ۷). در مورد رعایت استانداردهای پوشش رسانه‌ای جرم، باید میان رسانه‌های نوشتاری و رسانه‌های شنیداری و دیداری در ایران تفکیک قائل شویم. به عبارت دیگر، رسانه‌های نوشتاری مانند روزنامه‌ها و مجله‌ها از این لحاظ نسبت به سایر رسانه‌ها (رادیو و تلویزیون) وضعیت بهتری دارند. در این میان، مجله‌ها و نشریه‌های تخصصی علوم اجتماعی و جرم‌شناسی تمایل بیشتری به ارائه تحلیل‌های کارشناسی و ریشه‌یابی پدیده‌های جنایی دارند؛ هرچند شمار این نشریه‌های تخصصی، بسیار اندک است و فقط شمار محدودی از خوانندگان را با دیدگاه‌های کارشناسی و تجزیه و تحلیل‌های علمی آشنا می‌کند. برای نمونه، می‌توان به پوشش خبری جنایت‌های غرب تهران موسوم به "خفاش شب" در روزنامه‌ها و نشریه‌های تخصصی کشور اشاره کرد. در حالی که بیشتر روزنامه‌های کشور بخش‌های مهمی از گزارش‌های خبری خود را به چگونگی وقوع حادثه و تشریح شیوه‌های ارتکاب قتل، شایعه‌ها و گفته‌ها و شنیده‌های پیرامون آن اختصاص می‌دادند، ماهنامه امنیت وزارت کشور با تدارک امکان مصاحبه حضوری شماری از کارشناسان علوم جنایی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انتظامی و حقوقی با متهم اصلی پرونده - غلامرضا خوشرو - نتایج تحلیل‌های این کارشناسان را در گزارشی با عنوان "تحلیل کارشناسی جنایت‌های غرب تهران" منتشر کرد و چگونگی بازتاب این جنایت را در مطبوعات به نقد کشید. یکی دیگر از جلوه‌های این‌گونه تأثیر رسانه‌ای در ایران را می‌توان در پوشش خبری گسترده رانت‌خواری‌ها و موارد سوءاستفاده از قدرت و جرائم ارتكابی "آقازاده‌ها" مشاهده کرد. این اقدام رسانه در سال‌های اخیر سهم به‌سزایی در حساس کردن افکار عمومی و دولتمردان نسبت به ماهیت و وسعت این اقدامات و آثار مخرب و ویرانگر آن‌ها بر اجتماع داشته است. تحت تأثیر این افشاکاری‌ها بود که تشکیل کمیته مبارزه با مفاسد اقتصادی در سطح رؤسای قوای سه‌گانه و وضع قوانین و مقررات جدی با هدف تعریف مفاسد اقتصادی، جرم‌انگاری مصادیق آن و پیشگیری از فساد اداری در دستور کار قوای اجرایی، تقنینی و قضایی قرار گرفت (فرجی‌ها، ۱۳۸۵: ۲۰-۱۵).

رویه‌هایی که در برخی رسانه‌های نوشتاری یا دیداری به چشم می‌خورد و حتی با احراز شرایطی خود می‌تواند جرم تلقی شود، یکی انتشار مشخصات متهم، دیگری استخفاف متهم مانند استفاده از چشم‌بند یا گرداندن در معابر عمومی با آویزان کردن طناب یا آفتابه توسط نیروهای انتظامی است که اقدامی ترذیلی به شمار آمده و زندگی خانوادگی و اجتماعی فرد را دچار خدشه و آسیب جدی می‌کند و سوم انتشار اعتراف‌های متهمان است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. احترام به کرامت انسانی افراد، حفظ حقوق متهم، اصل برائت و احتمال طرح شکایات واهی و ایدائی اقتضا دارد تا قبل از حکم محکومیت قطعی، مشخصات متهم منتشر نشود. پس از اثبات جرم نیز از آنجایی که نظام عدالت کیفری باید امکان بازگرداندن مجرم به جامعه و رفع زمینه تکرار جرم را فراهم کند، انتشار تصاویر و سایر مشخصات مجرم باید طبق قانون و اصول حقوق بشری در حمایت از قربانیان جرم صورت پذیرد؛ زیرا امکان دارد متهم، تیره شده و نشر مشخصات وی از طریق رسانه‌ها، انگ اجتماعی را سبب شود که هرگز قابل زدودن نیست.

در این راستا باید ابتدا به سند بالادستی در هرم قوانین داخلی توجه کرد؛ انتشار تصاویر متهمان و مشخصات آنان با توجه به اصل ۱۷۵ قانون اساسی مخالف رسالت متعهدانه رسانه‌ها و رسانه ملی در قبال عرضه اطلاعات و همچنین مخالف اصل برائت است. مضاف بر آن که پخش این‌گونه گزارش‌ها، با توجه به شناسایی هویت متهم، نقض اصل شخصی بودن مجازات‌هاست و تنبیه مضاعفی را به گردن شخص متهم و خانواده او تحمیل می‌کند (تک‌فلاح، ۱۴۰۲: ۱). اما در قوانین موضوعه، ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می‌دارد:

انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است، مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

۱. متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به‌منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به‌دست‌آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.
۲. متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

بنابراین، قانون‌گذار، طبق بند (الف) متواری بودن متهم با وجود دلایل کافی برای اتهام آنان و عدم امکان دستیابی به آنان به‌نحو دیگر با وجود صدور احضاریه و صدور برگ جلب متهم، حتی با جلب سیار و انطباق اتهام با یکی از جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت)

ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری را شرط لازم برای انتشار تصویر آنان با هدف شناسایی یا تکمیل ادله دانسته است. بنابراین، برخی دادرها با موافقت دادستان شهرستان در مورد جرائمی چون قتل عمدی یا آدم‌ربایی، با اجازه انتشار مشخصات متهم، در صدد کشف محل اختفای وی برمی‌آیند. در بند (ب) نیز اقرار به ارتکاب چند فقره جرم نزد بازپرس و بزه‌دیدگان نامشخص این امکان را فراهم می‌آورد تا برای آگاهی قربانیان و امکان طرح شکایت یا دعوا، تصویر و مشخصات متهم انتشار یابد.

در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز وفق ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود، مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است و در صورت افشا مجازات عاملان آنان را در پی خواهد داشت. رسانه ملی گاهی با تارکردن چهره متهمان تصویر آن‌ها را در مرحله تحقیقات مقدماتی منتشر می‌کند؛ موضوعی که اگر باعث شناسایی هویت متهم شود، خلاف اصل محرمانگی در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم براساس مواد ۹۱ و ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری بوده و علاوه بر تضییع حقوق متهمان، گاهی موجب امحای آثار و ادله جرم می‌شود. انتشار تصاویر تار شده متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی از تلویزیون باعث شناسایی هویت این افراد می‌شود و براساس ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری پخش این تصاویر به دلیل امحای احتمالی آثار و ادله جرم و همچنین حمایت از حقوق متهم و حفظ آبروی او ممنوع است. در نتیجه، براساس ماده ۹۱ این قانون، منتشرکنندگان آن به جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳). بنابراین، جز در موارد مصرح ماده ۹۶، هرگونه انتشار تصویر، مشخصات، گرداندن در شهر آن هم به نحوی که کرامت انسانی، حیثیت و آبروی متهم را نقض کند (چنان‌که دیده شده با آویزان کردن طناب یا آفتابه توسط نیروهای انتظامی و گرداندن در معابر عمومی صورت پذیرفته است) ممنوع است. این اقدامات غیرقانونی، سبب مسئولیت کیفری عاملان به اتهاماتی چون توهین می‌شود. از آنجایی که این اقدام مجازات تردیلی و تحقیری به حساب می‌آید، در موردی که هنوز اثبات جرمی صورت نگرفته است، فرصت زندگی آبرومندان و محترمانه فرد برای همیشه از دست می‌رود. بنابراین، کشف جرم یا برقراری نظم عمومی یا ترهیب نمی‌تواند مجوزی برای ایراد خلدشه به حیثیت انسانی متهمی شود که تا مجرم تلقی شدن فاصله زیادی دارد.

بنابراین، با دو جنبه بازدارندگی از جرم از یکسو و سلب فرصت زندگی محترمانه متهم از سوی دیگر روبه‌رو هستیم. از یکسو باید گفت انتشار مشخصات و تصاویر برای جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار، (جرائم موجب مجازات سلب حیات، جرائم موجب حبس ابد، جرائم موجب مجازات قطع عضو، جرائم عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیده یا بیش از آن،

جرائم تعزیری درجه ۴ به بالا و جرائم سیاسی و مطبوعاتی)، ممکن است ویژگی بازدارندگی داشته باشد و موجبات کاهش انگیزه مجرمانه را فراهم کند. اما از سوی دیگر، انتشار پیش از موعد هرگونه مشخصات یا تصویری از متهم در صورت تبرئه، موجبات اعاده حیثیت فردی که انگ اجتماعی بی‌سببی را یدک خواهد کشید، مطرح می‌کند. پخش اعتراف‌های متهمانی که در حین تحقیقات مقدماتی و آن هم زمانی که هنوز به اتهام‌های آن‌ها در دادگاه رسیدگی نشده و به بهانه شفاف‌سازی، اعتراف‌های خود را بیان می‌کنند، هم در قانون اساسی و هم در قانون آیین دادرسی کیفری ممنوع شده است. افشای اطلاعات و شفاف‌سازی زمانی صورت می‌گیرد که حکم قطعی صادر شده باشد.

جز مواد قانون آیین دادرسی کیفری، اگر وظیفه ذاتی رسانه‌ها را ایجاد امکان دسترسی آزاد به اطلاعات، شفاف‌سازی و تحقق حق بر اطلاع شهروندان بدانیم، باید به قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۷ که مندرجاتی در این خصوص دارد نیز اشاره کنیم. گفته می‌شود این قانون، از جمله مهم‌ترین قوانینی تلقی می‌شود که در تأکید حق بر آزادی بیان و آزادی اطلاعات به تصویب رسیده است. طبق ماده ۲، حق دسترسی هر ایرانی به اطلاعات عمومی به رسمیت شناخته شده است، مگر آن‌که طبق قانون ممنوعیتی وجود داشته باشد و نیز تصریح شده است که استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آن‌ها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود (قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ۱۳۸۸). اطلاعات عمومی که در این قانون تعریف شده، اطلاعات غیرشخصی نظیر ضوابط و آیین‌ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، اسناد و مکاتبات‌های اداری است (اقمشه و سلمان‌پور، ۱۳۹۴: ۱۶). در مورد دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی نیز البته باید حدود و ثغوری را تعیین کرد؛ رسانه‌ها باید اصل استقلال قضات را رعایت کنند و باعث اختلال در روند رسیدگی‌های قضایی نشوند. همچنین نباید اقدامی صورت دهند که حریم خصوصی طرفین دعوی، شهود، مطلعین، کارشناسان، قضات و هرکسی که در روند دادرسی درگیر است، نقض شده و اصول دادرسی منصفانه مانند اصل برائت و حق دفاع را که می‌تواند حافظ منافع طرفین دعوا باشد، زیر پا گذاشته شود.

مورد آخر، انتشار اعتراف‌های متهم است. پخش فیلم یا انتشار محتوای رسانه‌ای با عنوان اعتراف‌های متهمان، توسط رسانه‌ها اغلب برخلاف میل باطنی یا به خواست و اراده متهم، انجام شده و در آن متهمی که هنوز جرم وی اثبات نشده، با ابراز ندامت از کرده خود به تشریح نحوه وقوع جرم و اهداف و انگیزه خود می‌پردازد و گاهی برخی نیز بعد از رهایی از زندان، هرچه را گفته بودند، انکار می‌کنند. این موضوع منجر به تقدیم طرح "ممنوعیت ضبط و پخش اعترافات اشخاص از صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها" در سال ۱۳۹۸ توسط نمایندگان به هیئت‌رئیسۀ مجلس شورای اسلامی شد. این طرح با استناد به اصل ۳۹ قانون اساسی ارائه شد که اشعار می‌دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا

تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. بر این اساس مراجع قضایی و ضابطان دادگستری مکلف‌اند حرمت و حیثیت اشخاصی را که به هر نحو در مظان اتهام و مورد بازجویی و تحقیق قرار گرفته‌اند، رعایت کنند». اگرچه طرح به شیوه حقوقی و براساس مستندات فقهی و اخلاقی تنظیم شد، اما بی‌سرانجام ماند. غیراخلاقی دانستن پخش چنین اعتراف‌هایی به استفتاء از مراجع هم رسید. آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی در پاسخ به استفتائی درباره پخش اعتراف‌های تلویزیونی پیش از اثبات جرم نوشته است: «تا زمانی که جرم و اتهام شخص متهم ثابت نشده، نمی‌توان اسم و تصویر و اقراری را که داشته است، منتشر کرد و حتی بعد از ثبوت هم اگر جرم مخفی بوده، آشکارکردن آن جایز نیست». آیت‌الله بیات‌زنجانی نیز در این باره گفته است: «این کار علاوه بر این که مشروع نیست، از نظر اخلاقی نیز درست در برابر کرامت انسان و حرمت اوست و بنا بر روایات مستند و مورد وثوق این اعتراف‌های در دادگاه نیز قابلیت استناد ندارد» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷). در بسیاری از موارد پس از رسیدگی به جرم افراد مزبور، بی‌گناهی آنان اثبات می‌شود؛ بنابراین، هیچ اثری برای پیشگیری از جرم نداشته و با هتک حیثیت اشخاص به اعتماد عمومی و اعتبار رسانه‌ها نزد افکار عمومی آسیب جدی وارد می‌کند.

رویکرد رسانه‌ها به انتشار اخبار جرم و تصمیم‌های قضایی بر یکدیگر اثر متقابل دارد. از یکسو، نمی‌توان به بهانه کشف جرم یا تأدیب متهمان، آبرو و حیثیت افراد را لکه‌دار کرد و اقدامات قضایی نیز باید همسو با این اصل حقوق بشری به‌گونه‌ای اعمال شود که به کرامت انسانی آسیب وارد نکند. از سوی دیگر، سازوکارهای تضمین حقوق افرادی که تصاویر و هویت آنان در جایگاه متهم بدون حکم قانونی انتشار یافته باید فراهم شود. اصل برائت، مصونیت و تعرض‌ناپذیری اقتضا می‌کند که حریم خصوصی اشخاص محترم انگاشته شود و کرامت انسانی متهم نباید مورد خدشه قرار گیرد. فلسفه وضع استانداردهای دادرسی منصفانه، دفاع از همین کرامت انسانی است. از این گذشته، همواره این احتمال وجود دارد که با وجود قرائن و شواهد، در خاتمه تحقیقات و محاکمه، حکم بر برائت متهم صادر شود. بنابراین، اگر عنوان مجرمانه‌ای از طریق رسانه به فردی نسبت داده شود یا بدون مجوز قانونی اطلاعات متهم قبل از اثبات جرم انتشار پیدا کند، امکان تعقیب رسانه (اعم از نویسنده، مدیر مسئول، سردبیر، مدیر شبکه و تهیه‌کننده آن برنامه) وجود دارد و می‌توان به عناوینی نظیر تهمت، نشر اکاذیب، توهین و ... طرح شکایت کرده و اعاده حیثیت کرد؛ زیرا چنین فردی هرگز فرصت بازگشت شرافتمندانه به جامعه را نخواهد داشت و این موضوع به‌عنوان نوعی مجازات تردیلی و خلاف اصول انصاف و عدالت قضایی است. اما در مورد انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم خاصی، وضعیت به شیوه دیگری است. در جرائمی مانند اختلاس، پولشویی، جرائم

مالیاتی و اخلاقی در نظام اقتصادی کشور که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، انتشار حکم محکومیت قطعی الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود.

نتیجه‌گیری

بازنمایی رسانه‌ای جرم و جنایت یک نگرانی دائمی برای اصحاب رسانه و حقوق‌دانان بوده است. این غیرقابل انکار است که بازتاب رسانه‌ای جرم در نهایت بر سیاست‌ها و عملکردهای مرتبط با کنترل جرم در جوامع تأثیر می‌گذارد. گفتمان تأثیرات رسانه بر ادراک عمومی از جرم، جایی بین در معرض محتوای رسانه‌ای قرار گرفتن و برخورد هیجانی با جرائم خاص و نگرش‌های عمومی نسبت به واقعیت جنایی است. رسانه‌ها نقش مهمی در ایجاد "جو فرهنگی" ایفا می‌کنند که در آن انواع خاصی از رفتار مجرمانه با شدت بیشتری نسبت به دیگر موارد به تصویر کشیده می‌شود. همین موضوع در انگ‌زنی اجتماعی در مورد گروه‌های خاصی از مردم، به‌طور معمول گروه‌های فقیر، خارجی و برخی قومیت‌ها که به‌عنوان منحرف، مجرم یا شرور داستان‌های نقل شده در اخبار به تصویر کشیده می‌شوند، وجود دارد. بنابراین، باید گفت رسانه‌ها یکی از عوامل جدی درک جمعی از جرم و ترس از جرم در مورد برخی جنایات و گروه‌های اجتماعی خاص هستند. محققان پنج روش مختلف را که رسانه‌ها از این طرق بر درک جمعی از جرم و ترس از جرم تأثیر می‌گذارند، شناسایی می‌کنند:

۱. جایگزینی (Substitution): افرادی که دانش جایگزینی برای جایگزینی اطلاعات رسانه‌های ترس‌آور ندارند؛
۲. طنین (Resonance): افرادی که تجربه مشخصی از قربانی شدن دارند که اطلاعات منتقل شده توسط رسانه‌ها را تأیید می‌کنند یا به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند؛
۳. آسیب‌پذیری (Vulnerability): افرادی که توانایی کمتری برای جلوگیری از قربانی شدن دارند، راحت‌تر از اطلاعات رسانه‌ها می‌ترسند؛
۴. مشابهت (Affinity): افرادی که شباهت‌های جمعیتی به قربانیان جرم دارند، بیشتر مستعد تأثیرپذیری از رسانه‌ها می‌شوند؛
۵. حداکثر تأثیر (Maximum Effect): افرادی که سطوح بالایی از ترس را به‌طور عمومی احساس می‌کنند، به‌همین دلیل، فراتر از نفوذ رسانه‌ها هستند (گومز، ساردا^۱ و همکاران، ۲۰۲۲: ۵-۶).

بنابراین، رسانه‌ها را می‌توان هم عامل و راهی برای مبارزه با جرم و جنایت دانست و هم عاملی برای افزایش ترس از جرم و انگ‌زنی اجتماعی. این پارادوکس از این سرچشمه می‌گیرد

که رسانه‌ها در عین حال مسئول گزارش جرم هستند و به ما می‌گویند که چگونه می‌توان با آن مبارزه نیز کرد. بنابراین، فرایند وضع قوانین روشن در حفظ و حراست از حقوق متهم و قربانی و نیز اطلاع‌رسانی شفاف دو کفه ترازو است که با مشارکت علمای حقوق و رسانه به توازن خواهد رسید. در نهایت، این موضوع محملی برای بحث‌های متنوعی است که مطالعات رسانه‌ای را به تحقیقات جرم‌شناسی مرتبط می‌کند. این ترکیب نه تنها جالب و مرتبط است، بلکه برای درک گسترده‌تر و عمیق‌تر فرایندهای اجتماعی و فرهنگی در سیستم عدالت کیفری نیز ضروری است. با لحاظ اهمیت رسانه‌ها، عکس‌ها و گزارش‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی جدید، این مقاله تلاش کرده است تا کمک‌های روشنی به درک کنونی از چگونگی تأثیر رسانه‌ها بر ادراکات جنایت و امنیت و در نتیجه، نحوه وقوع جرم و پیشگیری ارائه کند که امروز در بحث عدالت ترمیمی و مباحث پیشگیری از جرم نیز، محملی برای بحث است. ابتکار عدالت برابر با همکاری گروه راهبرد جهانی، متعهد به پایان دادن به مجازات‌های بیش از حد، به چالش کشیدن بی‌عدالتی‌های نژادی و اقتصادی و حمایت از حقوق اولیه بشر برای آسیب‌پذیرترین افراد در جامعه آمریکا است. مدیر این ابتکار گفته است:

پوشش رسانه‌ای مغرضانه نژادی، عامل مهمی بوده است که به نتایج غیر قابل اعتماد و ناعادلانه در سیستم حقوقی کیفری می‌انجامد. برای نمونه، در آمریکا رسانه‌های خبری اغلب پیش‌فرض گناه و خطرانی را که به سیاه‌پوستان در هنگام گزارش جنایی نسبت داده می‌شود، تقویت می‌کنند، درحالی که ارزش زندگی سیاه‌پوستان و آسیب‌هایی که هنگام قربانی شدن متحمل می‌شوند را بی‌ارزش می‌کنند. رسانه‌های آمریکایی می‌توانند و باید در حذف پوشش مغرضانه نژادی بهتر عمل کنند (EJI.org).¹

سبک روزنامه‌نگاری نقش اصلی را در شکل‌دهی چگونگی سازگاری مردم با تحول‌های اخلاقی ایفا می‌کند. این موضوع البته به نوبه خود مسائل اخلاقی روزنامه‌نگاری را نیز افزایش می‌دهد. به‌طور خلاصه، خبرنگاران در نحوه بیان این داستان‌ها می‌توانند وحشت و نارضایتی را گسترش دهند یا سازگاری و آشتی را تشویق کنند. فولرتون و پترسون در "قتل در میان ما" تصمیم‌های روزنامه‌نگاران درباره پوشش جرم و جنایت را در آمریکای شمالی و کشورهای اروپای غربی مقایسه می‌کنند و آن را به‌عنوان کلیدی برای بررسی مفاهیمی چون حریم خصوصی، حق عمومی برای دانستن و اطلاع و عدالت می‌دانند. کتاب هم‌نگاهی تجربی به سبک‌های مختلف روزنامه‌نگاری است و هم‌یک ارزیابی اخلاقی از این‌که آیا رویکردهای داستان‌سرایی خاص در خدمت به دموکراسی عمل می‌کنند یا خیر. در راستای تحقق حق بر اطلاع و وظیفه ذاتی، رسانه‌ها می‌توانند جرم را اعلام کنند، اما نمی‌توانند مشخصات متهم به ارتکاب جرم را اعلام کنند. این کد اخلاقی خوانش‌های متفاوتی در سه شیوه بارز روزنامه‌نگاری در خصوص نحوه

1. Equal Justice Initiative

پوشش جرم ایجاد کرده است. اقدامات روزنامه‌نگاران باید در راستای تحقق عدالت کیفری، عدم تحقیر و انگ‌زنی اجتماعی و قضاوت سطحی و ابتدایی باشد. با عدم اصلاح رویه پوشش رسانه‌ای جرم ایران نیز، انتشار اطلاعات متهمی که هنوز جرم وی اثبات نشده، این خطر را ایجاد می‌کند که قضاوت اجتماعی اشتباهی در مورد متهم اتفاق افتد و حقوق دیگری مانند اصل برائت متهم، حق بر حریم خصوصی اصحاب دعوا، اصل استقلال قضات، نظم عمومی و اخلاق حسنه به مخاطره افتد.

منابع

- ایمان‌زاده، سیمیه و جوادی، سوده (۱۳۹۶). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و تقویت آن توسط رسانه. مدیریت رسانه، ۵(۳۳)، ۴۱-۵۴.
- اقمشه، علیرضا و سلمان‌پور، امیر (۱۳۹۴). حق دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی (با مطالعه تطبیقی در ایران، فرانسه و آمریکا). علوم خبری، ۴(۱۴)، ۱۱۷-۱۴۰.
- تک‌فلاح، یاسر (۱۴۰۳). واکاوی حقوقی انتشار تصویر متهم در مرحله دادگاه در گزارش‌های خبری. فقه جزای تطبیقی، ۴(۴)، ۱۱۷-۱۳۰. Doi: 10.22034/JCCJ.2024.422170.1420
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۷). بازیابی شده از: <https://donya-e-eqtasad.com>
- رزمان، علی (۱۳۹۷). رسانه‌ها و جرم. قانون یاز، ۲(۵)، ۱۰۱-۱۱۸.
- رئوفیان، حمید و حسن‌زاده محمدی، ابوالفضل (۱۳۸۹). حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم. حقوقی دادگستری، ۷۴(۷۱)، ۹۳-۱۰۹. Doi: 10.22106/jlj.2010.11166
- فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۵). بازتاب رسانه‌ای جرم. رفاه اجتماعی، ۶(۲۲)، ۵۷-۸۶.
- مالکی، جلیل و واعظی، زهرا (۱۳۹۱). آزادی مطبوعات در منظر حق دسترسی آزاد به مطبوعات. رسانه، ۲۳(۴)، ۲۳-۵. Dor: 20.1001.1.10227180.1391.23.4.1.5
- محمدی، حمیدرضا؛ موسوی‌پور، سید محمدحسین و مزینانی، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی میزان شناسایی هویت متهم در تصاویر شطرنجی منتشرشده از تلویزیون در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم (مطالعه موردی شهر تهران)». کارگاه، ۱۴(۵۳)، ۱۰۴-۱۲۵.
- اسناد قانونی
قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب ۱۳۸۸).
قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲).

Article 40 and 96 of the Criminal Procedure Code (approved in 1392).

Available at: <https://eji.org/news/report-documents-racial-bias-in-coverage-of-crime-by-media/>.

Available at: <https://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/c-23.7/page-1.html>.

Available at: <https://www.canadaland.com/different-crime-coverage-practices-naming-accused>.

Available at: <https://www.justice.gc.ca/eng/cj-jp/victims-victimes/factsheets-fiches/publication.html>.

Aqmesh, A.R., & Salmanpour, A. (2015). The Right of Access to Judicial Information (with a Comparative Study in Iran, France and the United States). *News Sciences*, 4(14), 117-140.

Beale, SS. (2006). The News Media's Influence on Criminal Justice Policy: How Market-Driven News Promotes Punitiveness. *William and Mary Law Review*, 48(2), 397-481.

Farajih, M. (2006). The Media Reflection of Crime. *Refahj*, 6(22), 57-86. [In Persian]

- Gomes, S., Sardá, T & Granja, R. (2022). Crime, Justice and Media: Debating (Mis) representations and Renewed Challenges. *Comunicação e Sociedade*, 42, 7-24. Doi: [10.17231/comsoc.42\(2022\).4467](https://doi.org/10.17231/comsoc.42(2022).4467)
- Imanzadeh, S., & Javadi, S. (2017). Examining the relationship between social capital and its reinforcement by the media. *Media Management*, 5(33), 41-54. [In Persian]
- Jahiu, L., & Cinnamon, J. (2022). Media coverage and territorial stigmatization: an analysis of crime news articles and crime statistics in Toronto. *GeoJournal*, 87(6), 4547-4564.
Doi: [10.1007/s10708-021-10511-5](https://doi.org/10.1007/s10708-021-10511-5)
- Law on the Publication and Free Access to Information (approved in 2009).
- Maleki, J & Vaezi, Z. (2012). C Freedom of the Press beside Freedom of Information. *Rasaneh*, 23(4), 5-23. [In Persian] Dor: [20.1001.1.10227180.1391.23.4.1.5](https://doi.org/20.1001.1.10227180.1391.23.4.1.5)
- Mohammadi, H. R., Mousavipour, S. M. H., & Mazinani, M. (2021). Investigating the Extent of Discovering the Identity of an Accused in Pixelated Images broadcast on TV in the Preliminary Investigation of a Crime (Case Study: City of Tehran). *Karagah (The Detective)*, 14(53), 104-125. [In Persian]
- O'Hear, M. (2020). Violent Crime and Media Coverage in One City: A Statistical Snapshot. *Marquette Law Review*, 103(3), 1007.
- Ra'oufian, H & Hassanzade Mohammadi, A. (2010). "Protection of Witnesses As Contrasted with Defensive Rights of the Accused. *The Judiciarys Law*, 74(71), 93-109. [In Persian]
Doi: [10.22106/jlj.2010.11166](https://doi.org/10.22106/jlj.2010.11166)
- Razman, A. (2018). Media and Crime. *Journal of Civil & Legal Sciences (Ghanonyar)*, 2(5), 101-118. [In Persian]
- Rios, V & Ferguson, C. J. (2018). News media coverage of crime and violent drug crime: A case for cause of catalyst Justice Quarterly. *Forthcoming*, 1-22.
Doi: [10.1080/07418825.2018.1561925](https://doi.org/10.1080/07418825.2018.1561925)
- Takfallah, Y. (2023). Legal Analysis of Publishing the Picture of the Accused in the Court Proceeding in Reports. *Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(4), 117-130. [In Persian]
Doi: [10.22034/JCCJ.2024.422170.1420](https://doi.org/10.22034/JCCJ.2024.422170.1420)
- World of Economics (2018). Retrieved from: <https://donya-e-eqtasad.com>

© Authors, Published by Bureau of Media Studies and Planning. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



پژوهش
مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی